

دیدگاهها

دفتر دوم



بحران

کتابخانه کردستان «ما»

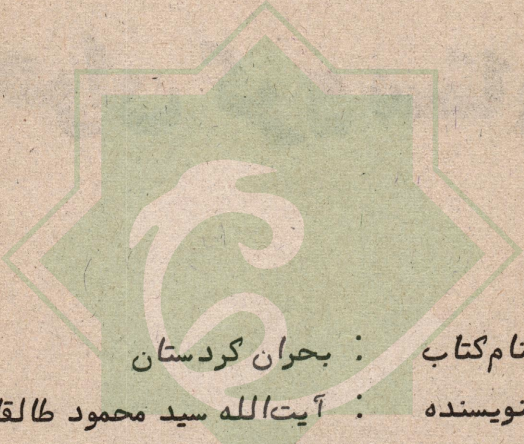
مجاهد نستوه آیت الله سید محمود طالقانی

بحران کردستان



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

مجاهد نستوه آیت الله سید محمود طالقانی



نام کتاب : بحران کردستان
نویسنده : آیت الله سید محمود طالقانی
ناشر : انتشارات ناس
تیراژ : پنجاه هزار نسخه
چاپ : افسس ، بهار ۱۳۵۹
تهیه و تنظیم : ع. م. میرزاده تهرانی
حق چاپ و تقلید محفوظ

بسم الله الرحمن الرحيم

واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا واذكرو

نعمة الله عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم

بنعمة اخوانا

... که همه شما به حبل الله، ریسمان پایدار و تعالی

بخش انسانی، یعنی اسلام اصیل، اسلام انقلابی، اسلام وحدت

بخش و نعمت خدا را به یاد آریم که همه برادر بودیم،

هم پیش از این با هم اختلاف و دشمنی داشتید.

خطاب به مسلمانهای صدر اسلام است، مسلمانهایی که دوره

جاهلیت و تاریکیهای دیجوری جاهلیت را پشت سر گذاردند

و چشم به طلوع فجر اسلام گشودند. مسلمانانی که همه از هم

می هراسیدند از شبح و سایه یکدیگر می ترسیدند. در پرتو

قرآن، در پرتو وحی محمدی همه چشم گشودند، با هم برادر

و صمیمی شدند "واذکرو نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف

بین قلوبکم" خداوند قدرت الهی بود که شمایی که در دوره

جاهلیت قبل از اسلام با هم چنین دشمن بودید خداوند در

پرتو وحی و نبوت و هدایت قرآن بین دلهای شما الفت آفرید

و شما در آن دوره که همه در اثر جنگهای قبیلگی و خانگی و

اختلافات مسلکی در لب گودال آتش بودید و در شرف سقوط

بودید و خداوند به لطف و عنایت خودش شما را نجات داد .
این آیه زنده ، همیشگی ، باید در گوش ما مسلمانها طنین انداز
باشد . امروز هم چنین است ، همیشه چنین است . در دوره
شرک طاغوتی که همه ما از هم می هراسیدیم ، همه از هم وحشت
داشتیم . جرات دم زدن نداشتیم ، دردهای خودمان را در
دل پنهان می کردیم و لبهایمان را از گفتن می بستیم . چنان
اختلاف ، چنان نفاق ، چنان بدبینی از داخل خانواده تا
محلہ و روستا و شهر ، همه از هم هراسان و گریزان بودیم . از
برکت اسلام و انقلاب عظیم اسلامی و در هم شکستن بتها و
طاغوتها بحمد الله چشم گشودیم ، همه با هم برادر و خواهریم .
این نعمتی که قرآن تذکر داده است ، برای اینست که
بالاترین نعمت حیات و زندگی است ، محبت ، پیوستگی ، هم
فکری ، همقدمی خوشبینی ، نیک اندیشی نسبت به یکدیگر .
که عکس این زندگی شرک و کفر و طاغوتی است . و همه آنهایی
که دائما " نگران دسیسه های دشمن های ما هستند و همیشه
مراقب کیدهای آن هستند از هر سو نگران کرد . مساله ای بود
نه تنها موضعی و محلی ، بلکه نگرانی بود از سرایت این
آتشی که دست آتش افروزان می خواست شعله ور کند ، نه تنها
منطقه را به آتش بکشد ، یک کشوری را به آتش بکشد ، و این
در میان این دود و آتش و سوز و گداز ، دشمن های قهار ما

بتوانند دوباره سرزمین مقدس اسلامی و ایران ما را محل جولانگاه خود و غارت ثروت ها و سرکوبی استعدادها و از میان بردن تفاهم ها بشوند .

همین نگرانی بود که ما را برانگیخت برای اینکه از نزدیک مسائل این منطقه و این شهر را بنگریم و بررسی کنیم . تا آنجا که قدرت داشتیم ، فرصت داشتیم ، توان داشتیم ، روز و شب ، ساعاتی متوالی بررسی شد . علل و عوامل آن که بیشتر جنبهء روحی و اخلاقی دارد و سپس جنبه های خناسی و شیطانی کشف گردید ، و در صدد چاره برآمدیم . کشته های شما را شهیدان خودمان می دانیم . بیمارهایی که در بیمارستانها خفته اند و زخمی شده اند ، جراحتهائی است که بر پیکر عظیم اجتماع اسلامی وارد شده است و امیدواریم خداوند بزودی آنها را شفا بدهد و به خانه و زندگیشان برگرداند . زندانیهایی که نگران بودید و چه بسا همین زندنی ها وسیله تبلیغات و تحریکات بعضی مغرضین بودند . بهمین زودی به خانه ها برمی گردند ، برای اینکه در شهر شما آرامش تفاهم ، برادری مستقر بشود ، هیاتی با انتخاب و نظر گروههای مختلف ، جمعیت های مختلف ، چند نفری تعیین شده اند بعنوان شورای موقت که بیش از یک هفته مجال ندارند . پس از یک هفته واگذار می شود به آراء عمومی شما ، زن و مرد

ساکن همین شهر محترم بتوانند نمایندگان شورای شهری شما را تعیین کنند .

این شورا وظیفه دارد که امنیت را در این منطقه حفظ کند و اخلاط لگران و آنهایی که مترصدند، دستشان را کوتاه کند به دردهای شما به دردها و رنجهای شما که همه می دانید رسیدگی کند و اینها را به مرکز گزارش بدهد . و ما از دولت و از ملت ایران پیش از دولت بخواهیم که همه نیروی خود را آنقدری که ممکن است ، متوجه رفع دردها و محرومیت های این منطقه بگرداند . این اصول و کلمات نتایجی بود که تا این ساعت به آن رسیده ایم . و اکنون هم برادران ما آقای دکتر بهشتی و جناب آقای هاشمی و دیگران ، آقای بنی صدر و وزیر کشور مشغول تتمیم و تکمیل همین برنامه ها هستند .

و من چون شنیدم که شما برادران و خواهران در زیر باران مدتهاست انتظار دارید که من خدمت شما برسم و سلام و دوام را عرض بکنم ناچار آمدم و از برادرانم رخصت گرفتم که سلامی و وداعی و خدا حافظی از شما بکنم .

این نکته را هم شما برادران عزیز ، خواهران محترم من ، فرزندان من ، متوجه باشید که در سراسر کشور ، این شهر شما ، که مرکز کردستان شما و کردستان ما ، اولین شهری است که انجمن شهری خود را آغاز و به همین زودی انجام میدهد .

انجمنی که باید نمایانگر نماینده‌های واقعی شما باشد .
ما امیدواریم شما رشد خود را، همت خود را، بینش
خود را، ایمان خود را بکار ببرید، تا این انجمن با کمال
آزادی و آراء آزاد شکل بگیرد و صورت بیابد تا نمونه‌ای باشد
برای سرتاسر منطقه کردستان، و بلکه برای همه کشور. که
ما بتوانیم بوسیله رسانه‌ها و تبلیغات در سراسر کشور نشان
بدهیم که مردمی که می‌خواهند و باید سرنوشت خود را به
دست بگیرند، نمونه‌ای باشید برای آنها. امیدواریم که همه
مشکلات بتدریج با صبر، با حوصله و با قدم ثابت حل بشود
امیدواریم که آنچه را که تا بحال این کردستان عزیز
مردم کردما، محرومیت‌ها، ناراحتی‌ها، رنج‌ها، تحقیرهایی
که دیده‌اند پس از این به سرعت و با همت خود و هوشیاری
خودشان جبران بشود.

مساله دیگر، چند روز دیگر فراندم در سراسر کشور
آغاز خواهد شد. در همه راهپیمایی‌های چندین هزار نفر
میلیونی تهران، و هزارها هزار افراد زن و مرد مسلمان متعهد
ما، از جنوب تا شمال، از شرق تا غرب با راهپیمایی خود
رای خود را داده‌اند. برای اینکه این مساله بصورت قانونی
دنیا پسند که ما هیچوقت هم نخواستیم دنیا ما را بپسندد
مگر در این انقلاب ما دنیا میخواست، دنیای شرق و غرب، که

ما چنین انقلابی کنیم - ولی برای اثبات به نق بزن ها، و آن کسانی که خدشه در کارها می کنند، این زفراندم خواهد شروع شد. چون ملت ایران و مردم ایران با همه اختلافات جزئی که دارند - بویادهم اختلافات جزئی باشد، ولی مناقشه و تضاد و خصوصت نباید باشد - به جمهوریت هم رای میدهند، یعنی یک حکومتی و یک نظامی که همه مردم، مردم ایران، پاسدار آنند. به اسلامیت آن رای می دهند، برای اینکه قوانین و اصول اسلام مترقی ترین و متعال ترین و ورهابخش ترین قوانین دنیاست. به عقیده ما و به تجربه تاریخ، همه جمهوریت ها و انواع مختلف و همه مکتب ها تجربه خود را نشان داده اند. کمبودهای خود را ارائه داده اند، مکتب های شرق و غرب بر مبنای اقتصاد است و آزادی حاکم بر اقتصاد، ولی در نظام اسلام آزادی انسانهاست و آزادی حاکم بر اقتصاد است نه اقتصاد حاکم بر آزادی باشد ما اقتصاد را زیر بنای زندگی انسانها نمیدانیم، بدلیل اینکه یک انسانی حاضر است گرسنه باشد، محروم باشد، ولی آزاد باشد. از این جهت در این زفراندم، جمهوریت است یعنی آزادی، و اسلامی است برای اینکه معیارهای اصیل اسلام ما همه گونه آزادی را تا مین می کند، جز تجاوز، جز دشمنی، جز تعدی به حقوق خلق و خالق. چیزی نیست که کسی، یک انسان با وجدانی که دارای -

دید وسیع باشد، بتواند انکار کند. اگر هم خواست هرکسی رای ندهد، آزاد است. اما همانطوریکه امام خمینی فرمودند و من هم عرض می‌کنم، و من هم رای خودم را به جمهوریت اسلامی میدهم و دیگر همه آزادند.

امیدواریم که در پرتو وحدت، همفکری، هم‌آهنگی و رهبری علمای آگاه و هشیار، و علمای مذهبی خودتان، و رهبری شخصیت‌هایی مانند برادرم آقای مفتی زاده بتوانند این هدف‌هایی که گفتیم: اولاً - انتخاب و تعیین انجمنی که نماینده افکار و آراء و نظریات شما و خواسته‌های شما باشد. ثانیاً - انشاء الله رفرا تدم، سپس مجلس مؤسسان برای تنظیم قانون اساسی، سپس دولتی که خود مردم میخواهند، انشاء الله بارشود با هشیاری این مراحل را به پایان رسانند. بیش از این من مزاحم نمیشوم چون وقتان ضیق است و قسمتی از کارهایی که داریم مانده است. از همه شما برادران و خواهران تشکر می‌کنم. شما را در پناه قرآن، در پناه حق، در پناه خدا، در پناه رهبرهای آگاهتان می‌سپارم و از شما خدا حافظی می‌کنم.

والسلام علیکم ورحمت‌الله و برکاته.

* * * *

پیام به مردم سنندج

برادران، خواهران

همه ملت ایران در این انقلاب بزرگ و تاریخی و سر
فصل جدید زندگی همیشه نگران بودیم بیکه عوامل درمیان
ما و در میان ملت شریف ما اختلاف، دشمنی و درگیری پدید
آورند، بخصوص همیشه نگران این منطقه خاص و این بازوی
قوی و کارآمد ایران شریف بودیم متاسفانه شعله‌ای در این
منطقه و در شهر سنندج برافروخته شد که ما نگران توده این
شعله در همه منطقه، بلکه همه ایران بودیم، بحمدالله با حسن
تفاهم و با حسن نیت و صداقت در میان این برادران و
خواهران ساکن سنندج، مسایل و گرفتاریها، علل پیشامدها
و مسایل دیگر را از نزدیک لمس کردیم و امیدوارم که با هوشیاری
و بیداری و آگاهی همه ملت ایران ما، و همه برادران و
خواهران کرد با چنین پیشامدها دیگر در شرف وقوع نباشد.
شما برادران، خواهران: با وحدت و همگامی، همقدمی،

هم فکری و هم فریادی با دیگر برادران فارس، ترک، عرب و برادران ترکمن و برادران سیستانی و بلوچستانی که در سرحدات و نقاط دیگر ایران هستند در این نهضت بزرگ شرکت مردانه و آگاهانه نموده و بحمدالله این انقلاب عظیم ایران در مرحله شکستن بت طاغوتی، سرفراز و پیروز مند گردید و همه توجه دنیا را به این سرعت متوجه ایران کرد و دشمنان ما و غارتگران را مات و مبهوت گردانید. ما انتظار داشتیم که دولت پس از مرحله پیروزی انقلاب این وحدت و یگانگی را فقط در مرحله بازسازی بعد از آن همه ویرانیها بمرحله اجرا در آورند و میدانیم که بعد از پیروزی اولی دشمنان ما و غارتگران که به منافع و استعدادهای ما تسلط داشتند دست بردار نیستند و از پا نخواهند نشست. از این جهت ما همیشه نگران دسایس بوده و همیشه وضع این نگرانیها و حنشی کردن آنها وابسته به هوشیاری و بیداری و حفظ وحدت شماست.

این انقلاب برهبری امام خمینی و ملت ایران بود و اکنون شما مسئول ادامه انقلاب و از سر فصل تازه آن، و مسئول آینده و نسل آینده می باشید. از این جهت مانند یک برادر و یک پدر دردمند که کردهای این ملت را که سالهاست لمس می کنم. بخصوص دردهای این ملت کرد، اتهامات، کشتارها و محرومیتها را. من از شما می خواهم که همبستگی و وحدت

خود را نگه دارید و مراقبت دشمنان انقلاب بوده و تحریکات را خنثی نموده، به ضعف، محرومیت و مستضعفین برسید، فاصله ها را از میان بردارید. من از شما می خواهم که با همت شما سرزمین مان را خرم و سرسبز نگه دارید و بکوشید که با پشتیبانی دولت مرکزی این محرومیت را از میان بردارید و شما مردم کردستان مسئولید که خواست های خود و خواست های مشروع را اعلام کرده و تنظیم نمایند و آنچه را که اولویت داشته از هم تفکیک کنید و آنچه که امروز از دولت برمی آید تقاضا نموده و خواست هائی را که در آینده عمل خواهد شد مطرح نمایید.

من بعنوان پدر شما هیچ نظری به هیچ گروهی ندارم و در این شهر سنندج که مرکز استان این قسمت از کردستان است باید به کوشش دوستان و همکاری صمیمانه و احساسات پر شور خواهران و برادران کرد به نتیجه برسند. باید شورای موقت تشکیل شده و وظائفی که محول شده برای حفظ امنیت و برای احتیاجات انجام بدهد. این شورا بزودی انتخابات آزادی را شروع و برای تشکیل انجمن شهر انتظار داریم که مردم آزادانه نمایندگان انجمن شهر را برای مدتی انتخاب نموده، انتظار داریم که این شورا نمونه ای باشد برای سرتاسر مملکت، و گروه های ما و ساکنین شهر و روستا که نمودار رشد

و نمونه یک شورای آزاد و عالی و افراد آن نمایندگان واقعی مردم باشند، تشکیل شود.

این مرحله اول بود که به نتیجه هم رسیدیم، وهلهء دیگر مشکل برادران ما بود که گروگان افراد ارتش روی سوء تفاهمی که بین مردم و ارتش پیش آمد، بود و در حال سعی هستیم که آن ها هم به خانه های خود برگردند و تذکر میدهیم به مردم کردستان و تمام ایران که این سوء تفاهم ها را از میان خود بردارند.

من با برادران ارتشی افسر، درجه دار، سرباز بمذاکره نشستم و از حسن نیت آنها نیز برخوردار شدم و نصیحتی که خودشان می دانستند بیان کردم و متذکر شدم که ارتش، ارتش ملی است و باید قدرت خود را در راه خواستهای مشروع خلق بکار گیرد و در کردستان نیز سوء تفاهمی بین مردم و ارتش وجود داشت که باعث ناراحتی هائی شد و این درحالی است که ارتش با ملت برادر است. موضوع دیگر اینست که ما در مرحله فراندم هستیم و میدانیم که بارها و بارها در تظاهرات، مردم رای خود را گفته و سعی برای اینکه همه خرده گیری بیگانگان و دشمنان داخلی نباشد باید فراندم انجام بگیرد و هر کس آزاد، رای خود را بگوید (جمهوری اسلامی). جمهوری یعنی آراء عمومی مردم در انتخابات مسئولین

دولت اسلامی یعنی در معیارهای مترقی و قانون‌های اسلامی و انتظار دارم که همه برادران و خواهران در این وظیفه اسلامی و تاریخ ساز ما شرکت کنند و من اعلام میدارم که به جمهوری اسلامی رای میدهم، از خداوند توفیق همه شما را در سایه ایزد منان و در راه پیشبرد این انقلاب خواستارم.

پیام رادیو تلویزیونی حضرت

آیت‌الله طالقانی در رابطه با

حوادث نقده

بسم الله العزيز المتعال

برادران، خواهران، فرزندان عزیز ترک و کرد نقده، سلام بر شما. حوادث خونین چند روزه آن سامان موجب نگرانی و رنج و تاسف اینجانب و دیگر برادران و خواهران شما گردیده، تاسف از این که با حادثه سنندج و گنبد که باشلیک یک گلوله آغاز شد و عده‌ای از مرد و زن رنج کشیده و محروم مابه خون غلتیدند و با صدها امید چشم از دنیا بستند، چرا شما نباید هشیار و آگاه باشید تا چهره انقلاب اسلامی ما این گونه نمایانده شود. آیا با گشودن آتش و گلوله به روی هم مشکلی حل میشود و نابسامانی‌ها سامان می‌یابد، آنهم در چنین فصل تاریخی که همه مردم این سرزمین میتوانند رشد و آگاهی و استعدادهای خود را بنمایانند و توطئه‌ها و کیدها و

دسیسه‌های ارتجاع و عوامل پلید رژیم سابق و استعمار
جهانخوار را به خودشان برگردانند و دست خون‌آلود غارتگران
را قطع کنند خود را از تعصب‌ها و اختلافات نژادی و زبانی
که از آثار جاهلیت است برتر آرند و چهره اصیل اسلامی و
ایرانی خود را بنمایانند و سازنده زندگی با شکوه و تاریخشان
باشند.

برادران، خواهران، آینده‌نگر باشید و به ریسمان توحید
اسلام اعتصام یابید و با انتخاب افراد آگاه و مسئول و خدمتگزار
و تشکیل شوراهای سرنوشت خود را بدست گیرید و مشکلات خود
را حل و فصل نمائید و پایه زندگی خود را محکم سازید و به
زندگی برادرانه و پراز صفا و محبت روی آرید، با توفیق و
یاری خدا و هشیاری و آگاهی شما به پیش که: کل نفعها بما
کسبت رهین والسلام علی من التبع الهدی.

کتابخانه آملین «طالبانی و زمانه ما»

پیام آیت الله طالقانی بمناسبت

حوادث گنبد

بسم الله الرحمن الرحيم

متأسفانه هنوز از مشکل کردستان و تمشیت امور آن سامان فارغ نشده بودیم که اخبار ناگواری از خطه گنبد راجع به احوال برادران ترکمن می رسد، بنظر می آید که دشمنان خالق و خلق در این ایام از هیچ فتنه‌گری و تحریکی در قبال پیشرفت انقلاب ما فرو گذار نکرده و علیه آن به انواع طرق دسیسه می کنند، دسائسی که حالیه و در نخستین مرحله متوجه تنوعات قومی و فرهنگی ملت ما شده و به یقین در نقاط دیگر هم نیز دامن زده خواهد شد، بخصوص که ظلم و ستم نظام طاغوتی حاکم در خلال سال‌های دراز گذشته زمینه مساعدی برای دسائیس و تحریکات ایجاد کرده است، نظام فرعونی به اتکاء حامیان استعمارگر خود توانست مردم ما را طبقه به طبقه گرداند و یکدیگر را جدا نمود و میان آنان حائل‌های مصنوعی و شرک آمیز قرار داد، چه همیشه تفرقه و دشمنی میان مردم این سرزمین وسیله موثر برای نفوذ استعمار و حاکمیت استبداد و علو فی الارض بوده و خواهد بود و تفاهم و برادری برای

دشمنان مردم بسی ناگوار است. اکنون که نظام شرک و جاهلیت و خصومت با آگاهی توحیدی مردم ما فرو ریخت، این رشته توحیدی برادری و تفاهم قدرت آفرین را بیشتر در گوش هوش خود رساتر گردانیم و پایه‌های اجتماعی و اقتصادی خود را محکم سازیم تا روز بروز نیرومندتر شویم و کیده‌های شیطانی را علیه دشمنان و دسیسه‌سازان برگردانیم. بارها از طرف حضرت امام خمینی پیشوای انقلاب ایران و نیز اینجانب تاکید شده است که برای ما و مکتب ما مرزبندی میان ترک و فارس و کرد و عرب و بلوچ و ترکمن و امثالهم هیچ اعتباری ندارد، معتبر، همبستگی و برادری و برابری اسلامی و ایرانی است که باید همه در تحکیم آن بکوشیم لذا به حول و قوه‌ی الهی و با اطمینان از حمایت کلیه مردم ستم‌کشیده ایران، هرگز نخواهیم گذاشت که فتنه‌گری‌های استعمار و ایادی آن که سعی می‌کنند آتش اختلاف و جنگ داخلی را روشن کنند به نتیجه برسد و انشاء الله نخواهیم گذاشت که به بهانه تجزیه طلبی، مبارزه‌ی عادلانه مردم ایران از مسیر حقه خود منحرف و متوجه داخل گردد، این مهم برابر آن داشت تا مطالبی را در مورد مسائل مبتلا به منطقه‌گنبد متذکر شده و اجرای نکات مربوطه را چه از دولت و چه از عموم برادران و خواهران و فرزندانم در آن خطبه بخواهم.

۱ - ترک هر نوع مخاصمه و برخورد قهرآمیز و تعرض و دخالت نظامی از جانب هر فرد و یا گروه و ایجاد آرامش در سراسر منطقه تا محیط مسالمت آمیز مناسبی برای گفتگو و تفاهم و حل مسائل فراهم گردد. تعرضات و درگیری های خصمانه نه تنها به تنظیم امور کمکی نکرده بلکه مشکلات را پیچیده ترمی گرداند و تقبیح میشود.

۲ - در دبرادران و فرزندان ترکمن ما اساساً و بطور اعم همان درد همه مردم رنج دیده و مظلوم سایر نقاطو ایالات کشور بوده و چیزی جز عوارض فقر و محرومیت ناشی از حکومت طاغوت نیست.

۳ - مردم ما در این منطقه بطور اخص از یک مسئله ارضی و تقسیم نامتناسب زمین رنج می برند که بایستی بطور عادلانه حل و فصل شود. رژیم طاغوتی بخاطر منافع خود و در راس آن دربار، در این ناحیت حتی از آن اصلاحات ارضی کذائی نیز ابا کرد، لذا از دولت انتظار داریم که اقدام در این مورد را به نحو مقتضی در راس برنامه های خود در این ناحیه قرار دهد.

۴ - چنانکه در مورد سایر استانهای کشور و بویژه کردستان مقرر شد، اداره امور داخلی ایالات و ولایات بایستی تا سر حد امکان به وسیله خود مردم و با مشورت و تشکیل انجمن

های شهری و روستایی صورت گیرد.

۵ - حداکثر احترام نسبت به آداب و سنن و فرهنگ ناحیه باید مراعات شود.

۶ - به لحاظ تعقیب و مجازات مجرمین، احدی حق ندارد بدون اجازه مقامات ذیصلاح قضائی ایجاد مزاحمت کند.

۷ - از برادران و فرزندان با ایمان ترکمن مخصوصاً از جوانان غیور انتظار دارم که به هرگونه تفرقه اندازی و عنوان کردن مطالبی نظیر شیعه و سنی که به لحاظ اصول و حقوق هیچ تفاوتی در نظر ما ندارند بی اعتنائی نموده و با متانت و شکیبائی لازم کفایت و هوشیاری خود را برای تصدی امور خودشان و پیشرفت در مسیر مصالح انقلاب اسلامی تمام کشور به ثبوت رسانند.

والسلام علی من اتبع الهدی
در همین مسائلی که در کردستان پیش آمد اگر مابجای پس گیری پیشگیری می کردیم، اگر آنوقتی که من به سنندج رفتم با دوستانمان عمل می کردم، با حفظ رحمت و در پرتو رحمت با اینها تماس می گرفتیم و بندها از اینها بر میداشتند آن بندهائی که بر آنها تحمیل شده و آنچه که رژیم غدار طاغوت بر آنها تحمیل کرده بود شاید این مسائل یا پیش نمی آمد یا کمتر پیش می آمد.

اگر راه به طرف هدف باز شود بسیاری از این درگیری‌ها تخفیف پیدا می‌کند، آنوقت مشخص می‌شود که این برادر کرد آیا واقعا "ضد انقلاب" بوده یا او را با شعارهایی که در زمینهٔ اغلبها و اصرهای مادی و فرهنگی نگه داشتند شعار می‌دهد او را فریب میدهند، مجدوبش می‌کنند و به طرف خودش جذب می‌کند. راه تبلیغات علیه دولت و رهبری و این شهدای ما و این مردم انقلابی ما که اینقدر در اینجا زیر این آفتاب جمع شده اند از تودهٔ مردم، راه انقلاب را از آنها عملا باید به مردم نشان بدهند.

خطبه دوم، نماز جمعه در بهشت

زهره شانزدهم شهریور ۱۳۵۸

من خودم از نزدیک در کردستان بودم تعجب میکردم که در این مدت چرا حرف این مردم را کسی گوش نداد که چه میخواهند این مردم، همان مارکی که دستگاههای طفیان بر اینها زده بود، برای اینکه این مردمی که دارای خصلتهای خاصی هستند، مردمی با غیرت، مردمی خوش اخلاق، مردمی مهربان، مردمی دارای اصالت، این مردم را به اسم تجزیه طلبی نامی گفتند خود مختاری، فورا "توپ و تانگ بود که اینها تجزیه طلبند، برای اینکه قدرت مرزی را بکوبند. چه تجزیه طلبی؟ تجزیه بشوند که کجا بروند؟ اگر اینها را ما به

فرض هم بگوئیم از ایران جدا شوند، برمیگردند به دامن ایران. کدام کشوری است که برای این قسمتهای ایران و این ملیت‌ها بهتر از یک ایران آباد و آزاد باشد؟ اینها یک حرف داشتند از اول، اگر حرفشان رسیدگی می‌شد نه اینهمه خون ریخته می‌شد، نه اینهمه عقده‌ها پیش می‌آمد، نه اینهمه ضایعات. چپی بود؟ می‌گفتند مادر چهارچوب منطقه و ملیت خودمان سرنوشت خودمان دست خودمان باشد. طاغوتی‌ها نمی‌گذاشتند که ما با زبان کردی در مدرسه‌ها درس بدهیم. این چه ربطی به تجزیه دارد؟ آنها از ما مالیات می‌گرفتند خیابان‌های شمال شهر را اسفالت می‌کردند، توی کاخهای کاخ نشینان مصرف میشد. آنها افراد ناشایستی را بر ما تحمیل میکردند به عنوان فرمانده ارتش، استاندار که اصلاً "به دردهای ما نمیرسیدند و فقط کارشان این بود از تهران که حرکت بکنند چه جور تو سر ما بزنند. مال ما را ببرند، نوامیس ما را مورد تجاوز قرار بدهند، این حرف درست بود یانه؟ حرف اینها این بود. ما رفتیم به درد دل آنها برسیم، گفتیم خوب مساله‌ی نیست خودتان مسئولید، سرنوشتتان دست خودتان است، این چیزی نیست که ما به شما بدهیم، مال شماست، بعد هم عده‌ی را معین کردیم، آتش خاموش شد، آرامش پیش آمد، الان هم انتخاباتشان دارد به نهایت می‌رسد.

سخنرانی در مدرسه فیضیه قم

ولی متاسفانه در اواخر این ماه پربرکت ، ماه مبارک ، ماه روزه ، ماه تقوی ، ماه توجه به خدا ، ماه همبستگی قلوب و وجدان هائی مسلمانها ، یکعده مردم جانی این برکت را ، این خیر را آلوده کردند . مردمی که در انجام جنایت از هیچ کاری فروگذار نکردند . تازه اسم خودشانرا هم دمکرات می گذارند . دمکراتی که مردم را به گلوله ببندد ، مردم مظلوم را ، مردم بیچاره ، مردم بیطرف ، پاسدارها ، جوانهای پاسدار ، بیمارها ، ای خاک بر سرشان . چقدر این نام همیشه برای این کشور ، نام دمکرات . خاطرات بدی داشته ، بعد از جنگ بین المللی اول یکعده دمکرات پیدا شدند ، سرخشان معلزم نبود بکجا هست ؟ همه چیز را بهم ریختند . ترور کردند و بعد از اینکه قدرت متمرکز شد ، آنوقت یکعده پیروان بیچاره ، مستضعف فریب خورده را بجا گذاشتند و فرار کردند رفتند پی کار خودشان . آنها را گذاردند دم گلوله ، دم چکمه . بعد از جنگ بین المللی دوم ۱۳۲۵ دیدید دمکراتهای آذربایجان چه کشتارها کردند . همینقدر که قدرت مرکزی قوی شد ، رفت آنطرف ، آنها فرار کردند . اینها را دم چکمه . امروز هم همان چهره ها هستند با اسم دمکرات . یکعده بیچاره ، یکعده مستضعف ، با شعارهای فریبنده ، اینها را جمع کردند ، اگر یک مقدار فشار زیاد شد ، همانطوریکه حالا هست سران فرار می کنند . دست دوم و دست

سوم را آنوقت دم چمه، چه مکتبی دارند، چه می گویند، چه می خواهند. مگر بارها اعلام نشده شما برادران هر پیشنهادی دارید، هر مسئله‌ای دارید بیاید مطرح بکنید رسیدگی بشود. آنقدری که در انکان هست برای شما انجام خواهد داده شد. چه می خواهند اینها؟ اگر می خواهند تجزیه بکنند کردستان را در دامن کی می خواهند قرار بگیرند بهتر از دامن اسلام و رهبرهای اسلامی و مردم مسلمان. که من به یقین می دانم که چنین اندیشه‌ای در مردم و توده کردستان نیست که بارها هم اعلام کرده‌ام، جز خودخواهی، جز جاه طلبی، جز بلند پروازی مثل همه حزب بازیها یکجده‌ای را جمع بکنند و شعاری بدهند و کلاه دیگران پس معرکه باشد. من نمی فهمم خوب، چرا باید. ما پیش از اینکه ارتش دخالت بکند از برادران کردمان انتظار داشتیم خود آنها این آتش را خاموش بکنند. چرا نمی کنند؟ ای برادران مسلمان، ای خواهران مسلمان کرد، ای کسانی که می دانید دل من برای شما می تپد و ما و همه مردم ما برای شما و محرومیت‌های شما و فشارهایی که بر شما وارد شده، همه دلسوز هستند. چرا باید آلت دست یک مشت خودخواه، خودپرست. یک همچنین فاجعه‌ای، اینطور چهره مردم کرد، مردم بزرگوار، مردم سالم، مردم مرزدار، اینطور آلوده بشود. خدا لعنتشان کند آنهايي که این فتنه‌ها

را ایجاد می کنند. در این روز عید صدار بر آنها لعنت. از درگاه خدا و خلق دور باش بر همه. بر همه اینها. چقدر ما سعی کردیم، کوشیدیم، با مذاکره با مهربانی، با دور هم نشستن مسائل را حل کنیم. چه این جوجه کمونیستهای داخل خودمان، چه آنها. یکمشت جوان احساساتی، سی ساله، خیال می کنند قیم همه مردمند. قیم همه زنهای ما هستند، زن های ما احتیاج به قیم ندارند. زنها حقشان پایمال شده، مگر خودشان نمی توانند حرف بزنند. کارگر حقشان! بتوجه! تو که دستت پینه زده، نشسته ای فقط شعار می دهی. جوانهای مسلمان ما هستند که توی این آفتاب و با این زبان روزه در میان این مزارع دارند کار می کنند. اینجا نشسته ای فقط شعار دادن. این شد مسئله. من خودم را برای دفاع از اینها داشتم فدیة می کردم. حتی در مقابل بعضی از تنگ نظرها، اندک بین ها من را متهم می کردند. حتی خود رهبر بمن می فرمود شما چرا مسامحه می کنید در برابر اینها گفتم آقایان ها شاید به نصیحت، موعظه، تغییر اوضاع، تغییر شرایط، جذب بشوند به عامه مردم. و دیگر حوصله همه را سر آوردند این رهبری که سراپا دلسوزی نسبت به مستضعفین و محرومین است ببینید چطور او را بخشم آورده اند. این کار بود؟ حالا بچشند جزای اعمال خودشانرا. کارهایی که کردند دیگر در

مردم جاندارند، بروند فکر دیگری بکنند.

خطبه اول، نماز عید فطر

دوم شهریور ۱۳۵۸

این گرفتاریهایی که امروز در مرکز، در شهرستانها بخصوص در کردستان برای این کشور پیش آمده بدست کیست؟ آن ساواکی، آن دزد فراری که با سر کرده شان فرار کرده اند و آن صهیونیست که نمی آید خودش را معرفی بکند در چهره این احزاب، این گروهها در می آید و شعارهای فریبنده میدهد و چنین فتنه هایی بر می انگیزد. مساله مساله ی سطحی نیست که گمان کنیم یا یک خواست هایی طرف هستیم و از این جهت خواست هایشان هم گنگ است. می آیند تعهد می کنند ولی پای بند تعهدات خودشان نیستند میگویند خواسته های ما این است والا کدام دولت و کدام منشأ اثر و کدام رهبری است که با خواسته های معقول و منطقی یک گروهی مخالفت بکند؟ اینها چه بهانه های دارند؟

چه می گویند؟ آیا هیچ تابحال این مساله مطرح شده که اینها چه می خواهند؟ به حسب ظاهر چند مساله را مطرح می کنند و می گویند خواسته های ما این است ولی در باطن

چه؟ در باطن همان مرامنامهء حزب دمکرات بیست سال قبل است که آنرا در مقابل رژیم تنظیم کردند یعنی بالاخره تجزیه ولی اکثر برادران کردما، خواهران کردما هم از این دسیسه زیر پرده بی اطلاع هستند. بارها می گویند اگر شما دیوار آهنی هم در مقابل ما و دیگر برادران مسلمان ما بکشید ما دیوار افرومی ریزیم. راست هم می گویند ولی اینها نیستند آنهایی که دسیسه می کنند اینها نیستند می آیند اظهار می کنند. چه می خواهید؟ می خواهیم در سرنوشت خودمان مختار باشیم، فرهنگ کردی را تعلیم بکنیم. خب بکنید، کی جلوگیری کرده؟ می خواهیم انجمن های شهر و روستا را تشکیل بدهیم، خب بدهید کی جلوگیری کرده؟ بعد، دیگر چه می خواهید؟ پایگاه های نظامی وارثی از اینجا برود، پاسدارهای غیربومی بروند. یعنی چه؟ آخرش چی؟ آخرش یعنی ما هر کاری دلمان می خواهد بدست خودمان باشد فقط دولت مرکزی به ما نان بدهد، آب بدهد، نفت بدهد، پول بدهد، آخر مساله به اینجا می انجامد دیگر. هیچ حق دخالت در کار ما ندارد. یعنی دولت فقط جیره بده یا کیسه اینها باشد. نفت را از خوزستان بیاورند به اینها بدهند و اینها هیچ تمکینی از دولت مرکزی نداشته باشند، این شدنی است؟ همه چیز بدست خودما، فقط بودجه بدست دولت که - چون آنرا هم

خودشان ندارند - به ما بودجه بدهد .

آیا این سؤال مطرح نیست که قریب به بیست هزار ، سی هزار مسلح با حقوق سه هزار تومن چهار هزار تومن پنج هزار تومن اینها از کجا تامین می شود ؟ خوب بپرسید . این آقایان لولو هایک چنین سرمایه بی از کجا آورده اند ؟ آیا به عهد و پیمان نشان وابسته هستند ؟ همانطوری که به آنها گفتم شما عهد دارید ، پیمان دارید ، افسر ایرانی ، سرهنگ سربازهای ما افسرهای ما که برای حفظ امنیت آمده اند به اینها تامین می دهید ، پرچم امنیت روی ماشینشان می گذارید بعد که بیرون آمدند آنها را به گلوله می بندید با شما می شود عهد و پیمان بست ؟ مردمی - که از اول گفتند ما به جمهوری اسلامی رای نمی دهیم یعنی خودشان را عملاً " از ۹۸ درصد مسلمانها و مردم ایران جدا کردند . یهودی رای داد ، زردشتی رای داد ، مسیحی رای داد ولی عده بی گفتند ما رای نمی دهیم . خوب ، رای نمی دهید پس دیگر چه می خواهید ؟ آن ملائی ، آن پیشوای مذهبی که می گوید من به جمهوریت اسلامی رای نمی دهم یعنی چه ؟ جمهوریت اسلامی غیر از این است که قوانین قرآن و قوانین الهی باید پیاده بشود ؟ خوب ، این چه پیشوای مذهبی است که نمی خواهد قوانین الهی پیاده شود ؟ پیشوای دین هم هست . یک نمونه بی برای روشنگری شما عرض بکنم ، نخواستم

زیادی افشاگری بکنم همان وقتی که چهار پنج ماه قبل مساله
سنندج پیش آمد و ما با دوستانمان برای حل مساله رفتیم ،
چه می خواهید؟ چه می گوئید؟ بعد از تحقیقات معلوم شد که
یک درگیری بین کمیته^۶ شیعه و کمیته^۷ اهل سنت پیش آمده ،
بعد هم یک نفری به تیر مجهولی کشته شد و بعد هم یکی از
همین آقایان سران رفت رادیو تلویزیون را گرفت ، دستور داد
که ژاندارمری را بگیرد ، ژاندارمری را خلع سلاح کردند رئیس
ژاندارمری هم زود تسلیم شد ، حالا نمی دانم چه شغلی به او
داده اند ، بعد شهربانی هم تسلیم شد ، بعد بطرف پایگاه
نظامی حمله کردند ، بروید آنجا را هم بگیرید . آنها از خودشان
دفاع کردند . اگر امروز مرکز نظامی ارتش سنندج سقوط کرده
بود میدانید چه فاجعه ای می شد ؟
ما هم غافل تا وارد شدیم عوامل اینها داد و فریاد
برداشتند که ارتشی ها جوانهای ما را کشتند ، زنهای ما را
کشتند با بمب به سر ما ریختند ، خمپاره ریختند به سر ما ،
خب ، ما هم ناراحت شدیم چرا ارتش باید چنین کاری بکند ؟
برای چی؟ چه جنگی با این مردم داشته؟ خدا رحمت کند
مرحوم شهید قره نی را - با اوتماس گرفتیم . او گفت ما دستوری
ندادیم ، اینها حمله می کنند به پادگان ، از بالا و پائین ، ما
دفاع می کنیم . اسلحه ها را بدست اینها بدهیم ؟ سربازهایمان

را به کشتن بدهیم؟ باز باور نکردیم. در هر جلسه‌ای که رفتیم، در میدان عمومی، چند عدد از این چیزهایی که رفتیم، در میدان عمومی، چند عدد از این چیزهایی که شبیه کله قند است جلوی ما گذاشتند که با اینها ما را می‌کشند، به بیمارستانها رفتیم، عجب وضعی پیش آمده، بالاخره به پادگان رفتیم برای اینکه به آنها اعتراض کنیم چرا به سر مردم خمپاره ریختید؟ ببینید دسیسه، تبلیغات، دروغ بعد هم متوجه شدیم یک عده جوانهای سرباز متدین متعهد ایستادگی کردند در مقابل حمله آنها، از سوی دیگر هم دو سه نفر سرهنگ بودند که خودشان بومی آنجا بودند. گفتند آقا به ما حمله می‌کنند. گفتم خب، حمله می‌کنند چرا با خمپاره به آنها حمله کردید؟ گفتند خمپاره نیست، اینها مشعل‌هایی است که ما به هوا پرت می‌کنیم که اطرافمان را ببینیم. بعد جعبه را باز کردند مشعلها را به هوا پرتاب کردند. گفتند بعد از آنکه سوختش تمام شد اگر جایی سقوط کند آسیبی نمی‌رساند. این فریبکارها همین‌ها را برداشتند جلوی ما رژه می‌روند که با این خمپاره‌ها ما را کوبیدند. از هر فرصتی استفاده کردند، آن وقت به من پیام می‌فرستند علمای آنجا، سران آنجا که مثل مغولها به ما حمله می‌کنند. این ارتش شما آمده ما را می‌کوبد. ارتش ابتداء او وارد شد؟ فتنه را چه کسی

ایجاد کرد؟ از کجا شروع شد؟ هیچ بررسی شده؟ اینها آیا به قول وعهدشان قانع هستند؟ اگر واقعا "مسائلشان این باشد بسیار آسان قابل حل است ولی مساله این نیست. اینها صدایشان از خودشان نیست. اینهایی بودند که رفتند در اروپا و خارج زیر لاک خودشان پنهان شدند. این مردم مسلمان خون دادند. حالاساکت ها به صدا درآمدند تسلیم شده ها انقلابی شدند، وابسته ها دوباره توی کار آمدند. اینها کجا بودند؟ چه می کردند؟ بعد، یکی از علما می نویسند این آیه را در ذیل به رخ من می کشد.

تلكالدار الاخره نجعلها للذین لا يريدون علوا في الارض

ولا فسادا

آیا ارتش ما علو کرده؟ رهبرهای ما در زمین علو کردند؟ اینها که همه اش طرفدار مستضعفین طرفدار بیچاره ها، طرفدار محرومین هستند. کی علو کرده کی فساد کرده؟ و باید بدانید، برادرها، خواهرهای کرد، حساب شما از اینها جداست و این ننگی که دارند به پیشانی کردستان می زنند و این همه مجاهده هایی که کرده ها کردند از بین می برند. اینها یک عده ی محدودی هستند، باید حساب مردم کردستان، برادران و خواهران مسلمان و متعهد و ایرانی را از یک مشت کسانی که معلوم نیست یا هست از کجا به آنها کمک می رسد، متهم می

کنند که از کشور بزرگ شمالی ما به آنها کمک می شود ، متهم می کنند که از یک کشور اسلامی به اینها کمک می شود . از اسرائیل می رسد ، از طرف دزدهای فراری و عوامل رژیم سابق هر روز به اینها پول و اسلحه داده می شود ، پس می خواهند در مقابل این دسیسه ها مردم ساکت بنشینند ؟ ارتش دخالت نکند ؟ پس چه بکند ؟ پس ارتش برای چه روزی است ؟

این درگیری عاقبتی برای کردستان ندارد جز خرابی ، جز ویرانی جز کشتار ، جز از بین رفتن آبادیها و خواهر های کرد ما هیچ مفهومی ندارد . سی میلیون جمعیت ایران و مسلمانها تسلیم یک مشت خودخواه و وابسته به دیگران نخواهند شد . خودشان باید در ابتدا حساب اینها را برسند ، نمی رسند ؟ چاره ای نیست جز ارتش ، ارتش دخالت نمی کند ؟ نمی تواند ؟ ضعف پیش می آید ؟ همه ملت ایران . ما هم راه می افیم . امام خمینی هم راه می افتد . ما این انقلاب را مفت بدست نیاوردیم که باز چه یک مشت بازیگر بین المللی باشیم . شصت هزار بهترین جوانهای ما کشته شده ، خیال می کنند به این مفتی ، تو برو کنار ، بعد بلوچستان را تحریک کن ، بعد خوزستان را تحریک کن ، بعد دولت مرکزی بماند با تهران و کویر لوت و یزد و کرمان . عاقبت کار این خیانت بزرگ همین است دیگر . اگر مطلبی ، پیشنهادی انسانی ، معقول ، راست دارند پیشنهاد

کنند منهای آنهایی که دستشان به خون مردم آلوده شده والا
همینطور مبهم هر روز یک جا تحریک کردن، این ملت تحمل
نمی‌کند، قرآن هم تحمل نمی‌کند، قرآن می‌گوید:

قاتلوهم حتی لاتکون فتنه

هر جا فتنه باشد باید بکوبی، فتنه را قرآن، دین ما
تحمل نمی‌کند. اگر مسالهی است، مطلبی است معقول و حقی
است که اسلام هیچ حقی را ضایع نمی‌گذارد هیچ مرام و مسلکی
به اندازه اسلام به مردم حق نداده. خب، بیائید ابراز
کنید. این آتش‌افروزی برای چیست؟ تحریکات برای چیست؟
وبالاخره بدست شما ملت باید این آتشها خاموش بشود و فتنه
ها از میان برود.

فقط حاکمیت برای خداست و برای قانون خداست.

کتابخانه آئین «طالقانی و زمانه ما»

خطبه دوم، نماز جمعه در

دانشگاه نهم شهریور ۱۳۵۸

بها ۲۰۰ ریال



انتشارات ناس

ناصر خسرو - کوچه حاج نایب - مقابل پاساژ مجیدی

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»